

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی و استفاده از فرصت ها

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه می فرماید: «فَاللَّهِ أَلَلَّةٌ مَعَشَرَ الْعِبَادِ وَ أَنْتُمْ سَالِمُونَ فِي الصَّحَّةِ قَبْلَ السُّقْمِ وَ فِي الْفُسْحَةِ قَبْلَ الضِّيقِ فَاسْعَوْا فِي فَكَاكِ رِقَابِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُغْلَقَ رَهَائِنُهَا أَسْهَرُوا عْيُونَكُمْ وَ أَضْمِرُوا بَطُونَكُمْ وَ اسْتَعْمِلُوا أَقْدَامَكُمْ وَ أَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ لَا تَبْخُلُوا بِهَا عَنْهَا»

خدا را خدا را در نظر بگیرید، ای گروه بندگان! در این حال که در نعمت تندرستی غوطه ورید، پیش از آنکه بیماری به سراغتان آید، و در این حال که در گشایش و آسایش به سر می برید پیش از آنکه تنگنایهای زندگی شما را در خود فرو برد. پس بکوشید در آزادسازی گردنهایتان پیش از آنکه با زنجیرهای گرو بسته شوید.

شب زنده داری کنید و شکمهایتان را خالی نگهدارید. در راه خیرات گامها بردارید و اموالتان را در راه مستمندان انفاق کنید. از بدن مادی بگیرید و برای پیشبرد نفوستان بهره ها بردارید و به خاطر علاقه به بدن، از رشد نفوس خود بخل نورزید.

گوشه ای از رفتار عملی آن حضرت

حضرت امام علی - علیه السلام - کنار سفره‌ی غذا مانند بندگان می نشست، اگر دو لباس مرغوب و غیر مرغوب تهیه می کرد مرغوبش را به غلام خویش می داد، با دست مبارک خویش هزار برده را تربیت کرد و در راه خدا آزاد نمود. هیچ کس را توانایی انجام کارها و عبادات حضرت نبود، شب و روز هزار رکعت نماز بجا می آورد و البته شبیه ترین اشخاص به ایشان علی بن الحسین - علیه السلام - بود. (امالی صدوق، ص ۱۶۹)

امام علی (ع) و انفاق

هر وقت ثروتی به دست حضرت می رسید فقرا و مستضعفین را جمع می کرد و پولها را از دست راست به دست چپ می ریخت و می فرمود: ای پولهای زرد و سفید مرا گول نزنید و بروید و غیر مرا گول بزنید و در همان مجلس همه را به هر صاحب حقی عطا می فرمود و سپس دو رکعت نماز شکر بجا می آورد. (امالی صدوق، ص ۱۶۹)

توصیه های امام علی (ع) به بازاریان

هر روز صبح که می شد وارد بازار مسلمین می شد در حالی که تازیانهاش بر دوش بود، اول بازار می ایستاد و می فرمود:

ای اهل بازار و تجار ابتدا از خدا طلب خیر کنید و با آسان گیری بر مردم، خیر و برکت را به کسب خود وارد کنید، شغل را به زینت حلم مزین نمایید، حتماً از دروغ و قسم پرهیز کنید، از ظلم و بی انصافی اجتناب نمایید و به داد محرومین برسید و به هیچ وجه به ربا و معاملات ربوی نزدیک نشوید. (بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۴).

تقسیم اموال

یکی از شبها مقداری پول برای حضرت آوردند، فرمود: هم اکنون آن را تقسیم کنید. عرض کردند، الآن شب است صبر کنید تا فردا تقسیم کنیم، فرمود: «تَقْبَلُونَ أَنْ أَعِيشَ إِلَى غَدٍ؟» آیا شما یقین دارید که من فردا زنده هستم. گفتند ما هم برای خود چنین باوری را نداریم فرمود: پس تأخیر نیندازید شمعی آوردند، زیر نور شمع اموال را تقسیم کردند. (امالی شیخ طوسی، ص ۲۵۷)

امام علی (ع) و بیت المال مسلمین

خطاب به کارگزاران

امیرمؤمنان علی علیه السلام برای کارگزاران خود چنین می نویسد:

أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ أَخَذِفُوا عَنْ فُضُولِكُمْ وَ اقْضُوا الْمَعَانِي وَ آيَاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الضَّرْرَ.

سر قلمها را نازک تر کنید و بین سطرها را نزدیک نمایید و از استخدام واژه های زاید بپرهیزید و معانی را هدف قرار دهید و از پرچانگی و زیاده روی دوری نمایید؛ زیرا نباید به ثروت مسلمانان آسیب برسد.

نگاه ویژه به صاحبان قدرت و ثروت

در آن هنگام که مردم به سفره ی چرب و درهم و دینار معاویه هجوم می بردند، عده ای از راه خیرخواهی می گفتند یا امیرالمؤمنین از اموال بیت المال به اشراف عرب و قریش بده که این قدر از کنار تو پراکنده نشوند.

می فرمود: آیا از من می خواهید که پیروزی را از طریق ظلم بدست آورم نه به خدا سوگند چنین کاری را نخواهم کرد. (بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۹)

ماجرای عقیل و امام علی (ع)

یک روز عقیل برادر آن حضرت درخواست کمک مالی کرد و گفت من تنگدستم مرا چیزی عطا کن، حضرت فرمود: صبر داشته باش تا میان مسلمین تقسیم کنم، سهمیه ی تو را خواهم داد، عقیل اصرار ورزید، علی - علیه السلام - به مردی گفت:

دست عقیل را بگیرد و ببر میان بازار، بگو قفل مغازه‌ای را بشکند و آنچه در میان مغازه هست بردارد. عقیل در جواب گفت می‌خواهی مرا به عنوان دزدی بگیرند.

علی - علیه السلام - فرمود: پس تو می‌خواهی مرا سارق قرار دهی که از بیت المال مسلمین بردارم و به تو بدهم؟! (بحار، ج ۴۱، ص ۴۱۴)

گریه معاویه برای امام علی (ع)

یک روز معاویه به یکی از دوستان امیر المؤمنین به نام ضرار گفت: مقداری از اوصاف و اخلاق علی - علیه السلام - را برایم شرح بده: گفت هر چه بگویم در امان هستم، گفت در امان خواهی بود. ضرار گفت:

سوگند به خدا که او در کسب مکارم اخلاق بلند همت بود، به عدل حکم می‌کرد، چشمه‌های علم و دانش از همه‌ی وجودش جوشان بود، از دنیا و زرق و برق آن وحشت داشت، با شب و تاریکی‌اش مأنوس بود، او در دل شب‌ها خیلی گریه می‌کرد و با خدای خویش مناجات می‌نمود، لباس خشن می‌پوشید، نان خشک می‌خورد. او در میان ما مثل یکی از ما بود و به محض آن که او را می‌خواندیم پاسخ مثبت می‌داد و با همه قرب و نزدیکی که با او داشتیم هیبتش ما را می‌گرفت و ما نمی‌توانستیم چشم در چشمش بیندازیم.

وقتی می‌خندید، دندان‌هایش مثل لؤلؤ بود، اهل دین را محترم می‌شمرد، مساکین و محرومین را دوست می‌داشت، مردم قوی در باطل خود به او طمع نمی‌بردند، فقراء هم از عدل حضرتش مأیوس نمی‌شدند. به خدا قسم در بعضی مواقع در دل شب‌ها او را در حالی در محراب عبادت می‌دیدم که مثل انسان مار گزیده به خود می‌پیچید و با ناله گریه می‌کرد.

مثل آن است که الآن دارم صدای نازنینش را می‌شنوم که می‌فرمود: ای دنیای پست آیا به من تعرض می‌کنی، مرا به سوی خود تشویق می‌کنی؟ هیهات، هیهات برو و غیر مرا فریب بده، مرا به تو حاجتی نیست! سپس می‌فرمود: آه از کمی توشه و طولانی بودن سفر و وحشت راه!

در اینجا بود که اشک معاویه و یارانش جاری شد و گفت: قسم به خدا ابوالحسن اینچنین بوده تو در فراقش چگونه صبر می‌کنی؟ گفت صبر کسی که فرزندش در دامنش ذبح شود، آنگاه ضرار در حالی که گریه می‌کرد از جای برخاست و کاخ معاویه را ترک کرد. معاویه خطاب به دوستان خود کرد و گفت اگر من از میان شما بروم شما مرا اینگونه ثنا نخواهید گفت.

یکی از حضار پاسخ داده هر کس صاحب آن چیزی است که به دست آورده! (ارشاد دیلمی، ج ۲، ص ۱۴ - ۱۳).

امام علی(ع) و رسیدگی به بچه های یتیم

مقداری غسل و انجیز از همدان و خلوان برای حضرت آوردند امر فرمود بین یتیمان تقسیم کنند و خود حضرت شخصاً بچه های یتیم را نوازش می کرد و از غسل و انجیز به دهانشان می گذاشت، عرض می کردند چرا شما این کار را می کنید؟ می فرمود: امام پدر یتیمان است، این عمل را انجام می دهم تا احساس بی پدری نکنند. (بخاری، ج ۴، ص ۱۲۳).

امام علی(ع) و انفاق شمشیر در حال جنگ

در یکی از جنگ ها با مرد مشرکی می جنگید، آن مرد عرض کرد یا علی شمشیرت را به من ببخش، حضرت شمشیر را به سویش انداخت، حریف در نهایت تعجب گفت: ای پسر ابی طالب در شگفتم که در چنین موقعیتی شمشیرت را به دشمن می بخشی! فرمود: تو دست تقاضا دراز کردی، رد کردن درخواست و سؤال از شیوهی کرم به دور است. مرد کافر از اسب پیاده شد و گفت: این روش اهل دیانت است پای مبارک آن جناب را بوسید و ایمان آورد. (انوار نعمانیه، ص ۳۴۳).

عبادت در کودکی

همه مردم می دیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام و کودکی به نام علی علیه السلام وارد مسجدالحرام می شوند و نماز می گزارند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وَلَقَدْ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ وَأَنَا أَوْلُ مَنْ صَلَّى مَعَهُ؛ وَهَمَانَا مِنْ بَايَمِيرِ خَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَيْتِ اللَّهِ مِنْ بَيْتِ اللَّهِ» (بخاری، ج ۹، ص ۵۰۰).

ایمان امام علی(ع)

و رسول گرامی اسلام هم فرمود:

« يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَوْلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ؛ أَيُّ عَلِيُّ! تُوِ أَوَّلُ فَرْدٍ مِنْ أُمَّةٍ إِسْلَامِيَّةٍ هَسْتِي، كَمَا أَنَّ خَدَا وَبِيَامِيرِشْ إِيْمَانًا أَوْرَدِي. (فروع کافی، ج ۴، ص ۳۹).

سکوت تلخ امام به خاطر مصلحت اسلام

هنگامی که خلافت از امام علیه السلام دور شد و دیگران بر مسند جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله تکیه زدند، افرادی بودند که امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت می کردند که برخی از روی دلسوزی و ایمان و برخی دیگر با مطامع سیاسی به دنبال تحریک امام بودند.

ابوسفیان یکی از این افراد بود که حکومت ابوبکر را که از قبایل ضعیف قریش بود تحمل نکرده، امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت کرد.

او که می خواست تحت عنوان حمایت از علی علیه السلام فتنه بر پا کند با این جواب امام روبه رو شد که فرمود:

شُقُوا امواجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاهِ وَعَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمَنَافِرَةِ وَضَعُوا تِيْجَانَ الْمُفَاخِرَةِ؛ امواج دریای فتنه را با کشتی های نجات بشکافید. از راه خلاف و تفرقه دوری گزینید و نشانه های تفاخر بر یکدیگر را از سر بر زمین نهدید. (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۵، ص ۵۷).

امام علی علیه السلام ضمن سخنانی با اشاره به توانایی خود در گرفتن حقیقت تنها دلیل اقدام نکردن برای گرفتن حق خود را جلوگیری از تفرقه مسلمین بیان کرده، می فرماید:

به خدا سوگند اگر بیم تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگر بود. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه)

و در جای دیگر می فرماید: فَرَأَيْتُ أَنْ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكِ دِمَائِهِمْ؛ دیدم صبر از تفرق کلمه مسلمین در ریختن خون شان بهتر است. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه)

چنان که ملاحظه می شود امام علی علیه السلام در راه ایجاد وحدت مسلمین از حق خلافت خود نیز گذشتند و ۲۵ سال را در حالی به سختی سپری کردند که به فرموده آن حضرت « فَصَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا؛ پس صبر کردم در حالی که چشمانم را خاشاک و غبار و گلویم را استخوان گرفته بود. (نهج البلاغه، خطبه ۳، ص ۴۶)

امام علی علیه السلام در دوران خلافت نیز حفظ وحدت را مهم تر از اقدامات نظامی دانسته و در برخورد با بیعت شکنان جمل و خوارج نهروان و سپاهیان شام و معاویه پیش از آن که اقدام به جنگ نماید، تمام تلاش خود را به کار بست تا از جنگ خونریزی میان مسلمانان جلوگیری شود و در همه جنگ ها نیز پس از آن که مجبور به جنگ شد یارانش را فرمان داد که آغازگر جنگ نباشند. به هر حال از آنجا که وحدت یکی از نخستین فاکتورهای مهم برای ایجاد امنیت است، امام علی علیه السلام نیز همواره بر آن تأکید داشتند و این مهم در گفتار و روش آن حضرت، نمایان است.

وفای به عهد

یکی از مهمترین ابعاد اندیشه سیاسی امام، وفای به عهد است. حضرت علی (علیه السلام) هیچ گاه پیمان شکنی نکرد و حتی وقتی می توانست از طریق پیمان شکنی حيله های دشمن را خنثی کند، به این کار مبادرت نورزید و آن را حتی به بهای پیروزی، روان داشت. حضرت در نامه های حکومتی به امرای خود، آنها را به پایبندی بر «عهد» سفارش تاکید نمود و برای نمونه حضرت به مالک اشتر می نویسد:

از دیدگاه امام (علیه السلام) وجه تمایز اصلی «حکومت اسلامی» با دیگر حکومتها، عدالت و دوری از ستم است.

امام علی(ع): «به عهد خویش وفادار باش، چه آن که مردم با همه هواهای گوناگون و نظرات مخالفی که با هم دارند، نسبت به هیچ یک از واجب های الهی چون بزرگ شمردن وفای به عهد، هم داستان نیستند.»

آن بزرگوار با پیشنهاد یارانش برای شکستن عهد خویش در جنگ صفین مخالفت کرد و به آنها فرمود:

«وای بر شما! آیا بعد از عهد و پیمان باز گردیم؟ مگر نیست که خداوند تعالی فرمود: به قرارهای خود وفا کنید؟».

آثار دوستی علی بن ابی طالب (ع)

ابن شاذان در کتاب «مناقب» از ابن عمر نقل می کند که گفت: از رسول خدا(ص) درباره علی بن ابی طالب (ع) سوال کردیم، حضرت خشمگین شده، فرمود:

«چرا بعضی در باره کسی شک دارند که درجه و مرتبه اش نزد خدا، مثل درجه و مرتبه من است و از همه مقامات من، جز نبوت برخوردار است.».

بعد فرمود: «بدانید، هر کس علی (ع) را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته است و هر که مرا دوست داشته باشد خدا از او راضی و خشنود است و کسی که خدا از او خشنود باشد پاداش او را بهشت قرار می دهد.» (در کتاب بشارة المصطفی (ص) ب عد از این جمله اضافه کرده است «بدانید، هر کس علی (ع) را دوست بدارد خداوند نماز، روزه و سایر اعمالش را قبول می کند و دعای او را به اجابت می رساند.»).